

قیمت سالانه دارالسلطنة كابل ۷ (بادره ان مبارك دوره امن وان) (سيد محمد قاسم)
 روييه كابل

الانبياء

امان و حقا

در اطراف داخله مملكت ۱۱ روييه كابل
 ▶ در خارج مملكت ۱۳ روييه كابل (به هر هفته يكبار) (نشر ميشود)

ده افغانان كابل (همه امورات تحريريه) (به اداره خانه)

دربين جريده از هرگونه علوم و وقايع سياسي و منافع دولتي و فوائد ملي بحث ميشود (فرستاده ميشود) (اوراقى كه درج نشود) (اعاده نميشود)

تاريخ شمسي ۲۹ حوت ۱۳۰۱ شمسي مطابق ۲ شعبان ۱۳۴۱ قمرى
 تاريخ انگريزى ۱۹ مارچ ۱۹۲۳ عيسوى

نمبر شمار	فهرست مندرجات	نمبر صفحات
۱	بابا كيمت ۱	[۲]
۲	تعمير رشته تيلكراف - تلكرام اعليحضرت قازى به اعليحضرت جارج و تلكرام جوابيه اعليحضرت جارج به اعليحضرت قازى	[۴]
۳	قند مكرود جرايد هندوستان قضيه مهاجرين هندبست	[۶]
۴	مقاله مخصوصه ، افغانستان يادنامه جنبان اتحاد اسلامى	[۸]
۵	اخلاقيات مبلمهاى قوه شهويه -	[۱۰]
◀ حوادث داخله ▶		
۶	رسيدن نائب الحكومه قندهار به قندهار ۷ معافى محصول اسنانى [۱۲]	[۱۲]
۸	تشریف آوری موقوتى اعليحضرت از سمت مشرقى بكابل [۱۳]	[۱۳]
۹	بودجه ، سنه ۱۳۰۲ ۱۰ تشریف بردن اعليحضرت به سمت مشرقى [۱۳]	[۱۳]
۱۱	تزيينات ميله قلبه كشي [۱۳]	[۱۳]
◀ حوادث خارجيه ▶		
۱۲	راجع به تركان [۱۵]	[۱۵]
۱۳	اخطار - [۱۶]	[۱۶]

بسم الله الرحمن الرحيم

بابا کیست ؟

در شماره اسبق ، در ذیل حوادث داخلی ، تحت عنوان (حبس) واقعه محبوس شدن جناب (بابا) محمد سرور خان صاحب نائب الحکومه سابق مرات را نکاشته بودیم ، چونکه حبس چنین شخص نامدار و زمامدار بزرگ عظمت مدار از روی محاکمه و بموجب قانون در عقائد قدیمه بعضی افراد (که مامورین بزرگ و مشخصین بانفوذ تحت مؤاخذة قانون نخواهند آمد و فرضاً اگر کسی گرفتار هم بشود باز به همان وسائل و وسائط معموله عتیقه نجات خواهد یافت) تزلزل انداخت و افکار جامعه را که فارغ از اندیشه محکومیت و فاقد فکر مسئولیت بودند دفعهٔ برهم زده بیدار و بخود داری و ادار ساخت لازم بود که در این موقع عظمت و اهمیت جناب بابا را مخصوصاً حیثیت بابائی شان را که اکثر خوانندگان محترم آنان افغان ازان واقف نیستند که جناب معظم له را چرا با ما میگویند و بابای کیستند ؟ قدری توضیح و تشریح می نمودیم تا خواننده کان معظم را باعث

آگاهی و خبرت ، و رونده کان طریقت را اسباب بصیرت و هدایت کردد چرا میبینیم که بعضی بزرگان دیگر هم تحت محاکمه میباشند ، لذا بر دیگران می نویسیم ولی دران شماره بنا بر فقدان فرصت و کنجایش موفق نگشته اینک باین شماره اختصاراً چیزی می نویسیم :

جناب (بابا) محمد سرور خان صاحب از خاندان شافسی خیل [که از خاندانهای معتبر و مشهور طایفه بارکزی است و چون سلطنت افغانستان از خاندان سدو زائی به خاندان محمد زائی انتقال کرد منصب شافسی گری یعنی وزارت دربار به این خاندان تکیه کرده موروثی شد] و پسر جناب شافسی عطا الله خان مرحوم و برادر شافسی شیردل خان مرحوم [شافسی شیردل خان شافسی اعلی حضرت امیر شیر علیخان بودند جناب لوی ناب پسر شان و علیا حضرت والده اعلی حضرت غازی دختر شان میباشد] و کاکای علیا حضرت والده اعلی حضرت غازی ، و پدر (ع . ح . ۱۰) محمد ابراهیم خان رئیس هیئت تنظیمی ترکستان میباشد ؟ سردار اعلی (ع . ح . ۱۰) وزیر صاحب داخلیه و (ع . ح . ۱۰) یاور صاحب حضور و بعضی صاحب منصبان بزرگ نظامی و مامورین کلان ملکی برادر

زاده ها و اولاد کاکای ارمی شوند . خود جناب بابا که درینوقت عمر شان به خانه (۹۰) رسیده از عصر اعلی حضرت امیر شیرعلیخان تا این زمان یاشافسی و یانائب الحکومه بودند و بنا بر روایتی که از زبان خود شان نقل شده هشتاد سال در کمال جاه و جلال به حکمرانی گذرانیده اند . و اینکه جناب شان را (بابا) می گویند وجهش این است که معظم له کاکای علیا حضرت والده اعلی حضرت غازی میباشد و چونکه برادر پدر منزلت و حکم پدر دارد لهذا به والده اعلی حضرت نسبت پدری و به خود اعلی حضرت تمایق جدید مادری دارند و همین مناسبت اعلی حضرت غازی از زمان شهزاده کی تا این وقت او شان را از نظر احترام کارانه جدیت بجدیت بابا خطاب میکنند و در مکاتب (بابای گرام) می نویسند دیگران هم اعلی حضرت را دیده جناب معظم له را (بابا) میگویند و الحاق که از حیث سن و بزرگی هم ، شایان همین خطاب اند ، بنا بر این ، خطاب (بابائی) يك افتخار و امتیازی است مخصوص جناب (بابا) که احدی از بزرگان والا شان در این منزلت با او همسر و سهم نیستند و ازین نسبت در نظر جمهور يك عظمت و اہمیت بزرگی دارند .

جناب (بابا) در اوائل جلوس اعلی حضرت غازی به نائب الحکومه کی

مرات مامور گردیدند ، سال گذشته در بعضی مسائل و وظائف ملکی و عسکری ولایت مرات بین او و سرافسر بزرگ عسکری (ع . ش) جناب فرقه مشر غلام بی خان شازع و تصادمی واقع شده و نتیجتاً اخبار این حقیقت به صراحت و بحضور اعلی حضرت رسید هر دو جناب بکابل خواسته شدند و تصفیة شازع شان به محکمه عالیہ مامورین مفوض گردید زمان درازی تحقیقات و اقامه دلائل و براین از طرفین الزام یکدیگر جاری بود (از قرار مسومعی) ابرالامر جناب (بابا) ذاتاً به ملامتی و پیش اعتراف و امضاً نمودند و خود را صدقہ شعر آئی قرار دادند .

بابا در پیش قانون هر که زانو میزند ✓ چرخ نوبت را بنام نامی او میزند هر که شد تسلیم عدل و پیش قانون سر نهاد پایهٔ قدرش به کاخ مهر پہلو میزند بنا بران جناب شان از طرف محکمه مامورین بر طبق نظامنامهٔ جزا محکوم بحبس گردیدند و از حضور شاهانه حکم محبوسی شان صادر گردید ، و آنهمه اعتبارات و عظمت و (بابائی) برای بجات شان از پنجهٔ قاهرهٔ قانون سودی بچسبید . هر چند که بعضی اشخاص حمله ها اندیشیدند که جناب (بابا) شیخ قانی

است و طاقت جبر ندارد در عوض جریه
تندی از زد شان گرفته شود ولی حضور
شاهانه قبول نکردند و احترام قانون و لزوم
اجرای آن را واجب شمرند و الحاق که
شایان شان چنین تاجدار عدالت شمار
همین بود که بجا آوردند چرا که .

سعادت و ترقی مملکت وابسته به آن
است که عموم افراد مملکت از شاه تا کذا
مطیع به قوانین موضوعه آن مملکت باشند
ملتی که قوانین خود را محترم شمارد
و آنها را زیر پا نکند دوچار زوال و نیستی
است ملتی که افراد آن از حاکم و محکوم
مطیع قوانین موضوعه باشند و خود را
ما فوق قانون تصور نکنند قطعاً در شاه
راه ترقی عقب مانده کوی سبقت از سایر
ملل خواهد بود .

بس چه خوب است که باطراف این
فضیه بجز کنیم و به نکته های باریک آن
تعمق نایم و به استخراج نتائج و عمل با آن
ملفت کردیم ، و معتقد شویم که زمان
لاقیدی و لایکلیفی گذشته ، جهان جهان
مساوات است . زمان ، زمان باز پرس
و مجازات است ، عصر ، عصر قانون است
دور ، دور [امان] است که رشوت
نمی پذیرد ، تعارف خرجش نمی رود تعلق
کوش نمی کند ، واسطه قبول ندارد

اعتبارات و مشخصات را وقتی نمی گذارد
قرابت و قومیت و نسب عالی را لحاظ
نمی کنند ، با کسی آشنا و خویش نیست
اغراض شخصی ندارد ، حق را هیچ
صورت با مال نمی گذارد ، چرا اگر پیشرفت
کار باین وسایل صورت میداشت آن همه
در این قضیه موجود بود و برای العین
دیده شد که سودی نکرد و فائده بخشید
امان افغان برای همه افراد مان
و مامورین دولت در اتباع شریعت و اطاعت
به قوانین موضوعه دولت توفیق و مقدرات
نیاز میکند . و بحضور شاهانه که ساز
صفات فاضله و ملکات کامله در وجود
مسعود شان فطرتاً و موهبتاً مودوع
است و هم فکر و محرکات شان در خود
تعمید و سزاوار تمجید است ازین عدالت
پزوهی و انصاف جوئی شان که علاوه
از طر فداری حق ، یکجهان عبرت و یک
عالم بصیرت و حکمت را دارا است مخلصانه
و عقیدت نمندانه اظهار تشکر و امتنان میباشد
و دعا می کنند .

تاج جهان راست خدائی و خدا راست جهان
تا بد باد چنین دولت داد آرائی



تمدید رشتن تیلکراف

از مساعی ملزکانه و مهمتهای خسروانه
اعلیحضرت غازی یک سلسله تیلکراف
بین کابل و سرحد (دکه) امتداد ، و با
تیلکراف از کلیسی اتصال یافت که اکنون
بواسطه این آله مهمه خبررسانی می توان
از کابل و دیگر مسرا کر یکتا (دکه) واقع
است به سائر ممالک بخارمه کرد اولین بخارمه
باین تیلکراف افغانی بخارمه است که بین
اعلیحضرت غازی پادشاه افغانستان و
اعلیحضرت (جارج) پادشاه انگلستان
اجر شد . تیلکرامها مردود اعلیحضرت
که متضمن اظهارات خیر خواهانه است
نسبت به عالم اسلام ، عیناً بقرار ذیل است

تیلکرام اعلیحضرت غازی به افتتاح
مراودات تیلکرافی بین ممالک محروسه
افغانستان و ممالک مقبوضه دولت بیه بریتانیا
دوستدار اظهار امتنان خود را به نسبت
عمدهای حکام دولت شهنشاهی آن اعلیحضرت
مخضور شاهانه شان قدیم میبایم و این امر
خیر را مفتاح مراودات دوستانه تصور نموده
امید دارم که حکومت شاهانه اعلیحضرت شما
بنا بر فرائض مدنیت و انسانیت پروری جمیع
مصائب و نوائب عالم اسلام را بنظر اهمیت دیده
در رفع آن اقدامات لازمه خواهد فرمود
نامناسبات دوستانه که از سابقان دراز بین
بریتانیای کبیر و دنیای اسلام دوام داشت
بار دیگر مجدید و تشدید شود

(جواب تیلکرام فوق از طرف

اعلیحضرت جارج پادشاه انگلستان)
مخضور اعلیحضرت امیر امان الله خان
تبریکات آن اعلیحضرت بر موقع اجراً
سلسله تیلکرافی مابین افغانستان و برطانیه
عظمی و اصل دست محبت گردیده باعث کمال
اطمینان گردید دوستدارم با موافقتاً اظهار
خواهش می کنند که این سلسله بخارت
باعث ترقی مزید مناسبات خوشگوار مابین
مردو ممالک ما گردد - آن اعلیحضرت
بطرف مناسبات دوستانه که مدت المدید
ما بین دولت برطانیه عظمی و عالم اسلام
بود . ایامی فرمایند دوستدار خیل تالیف
می کنند که واقعات جنک باعث پیدا شدن
این خیال شده باشد که برطانیه عظمی
خواهش این مناسبات بعد ازین ندارد -
این خیال بهی بنیاد است حتی الامکان
خواهش دوستدار و حکومت دوستدار
این است که ما طم اسلام با اتفاق همجواری
و مصالحانه زنده کی بسر کنیم و آن
اعلیحضرت همین بداند که هر گجا که مردم
طالب انصاف و امن باشند برطانیه عظمی
دوستی شازرا لیک می گوید و همین خیال
وجه این است که دوستدار مجداده امید
وار است که در شرقی قریب یک آسبفه
ممجلانه صورت پذیر شود .

جارج ، آر ، آئی (پادشاه شاهنشاه)

قد مکرر - جرايد هندستان
 قضيه مهاجرين هندیست
 از مدتی جرايد هندی ، مسئله مها
 جرين را موضوع مقالات خود ساخته
 بنكات و نقاط غریبی اشاره میکنند ،
 چنانچه در جریده مردم باردیگر مقاله
 در خصوص مهاجرين هندی بمطالعه
 رسید و مطالب عجیبی را بانظار ما جلوه داد
 مقاله نگار جریده فریده مردم (که از
 جبهه همان معلمین هندی رخصت شده از
 کابل ، میباشد) ، مینویسد که : علم ،
 صنعت ، حرفت در افغانستان ، آورده
 سبی و کوشش هندیانست ، چنانچه افاغنه
 بجز از هندیها از دیگری علم نیاموخته
 اند ، و بغیر از اطبای هندی در مسئله
 حفظ الصحه بدیگر اعتقاد نکرده اند ،
 وهم بدون انجنیر های هندی نترادفا بریکات
 خود را بدست اهتام دیگری نسپرده اند
 اما باوجود این همه خدمات هندیها ،
 افغانستان سلوک خوشتر و بهتری با برادران
 هندی خود نتوانست مرعی دارد .
 حالا قدری توجه برادران هندی
 خود را باین مسئله ، مسئلت داریم که
 انصاف فرمائید ، که ما هیچ گاه از تقدیر
 خدمات هندیها انکار نکرده ایم ، و باین

مسئله معترف هستیم که نسبت به همه ملل
 اسلامی در مملکت ما برادران هندی بیشتر
 خدمت کرده اند و ما تا بگذرجه ، از خدمات
 هندیها مستفید شده ایم لیکن این مسئله
 را فراموش نباید کرد ، که هندیها از
 مملکت افغانستان بهتر و نزدیکتر هیچ مملکتی
 را برای مزدوری و محنت خود تعیین کرده
 نمیتوانند ، کنیید ! ، امریکای جنوبی ،
 استرلیا ، افریقا ، از هندوستان دور ،
 وهم آب و هوای آن قطعات زمین بر
 طبع برادران هندی ما ناموافق است ،
 افغانستان برای هندیها خانه خویش شمرده
 میشود ، طرفین بریکدیگر خودمنت مانده
 نمیتوانند باید ، میان یاران ما و شما نباشد ،
 اما اظهار این نکته نیز لازمست در هر
 قوم خوب و بد بسیار است ، مملکت ما
 همچنانکه از خدمات هندیها مستفید شده
 بیکان دفعه به رهنمائی آنها مضرت هم حاصل
 کرده توانسته ، چنانچه واقعات افغانستان
 آنچه مسایل را چون طلوع ستاره دمدمار
 بمائشان میدهد ، ترکیه نیز از رجال
 طالح هندی ، چون قضیه مصطفی صغیر
 و مصطفی کمال باشا ، یک انشه ازین مضرتها
 کشیده است ، امیر المجاهدین بجزر کنند ،
 لقمه بلای هندوستانها شد ، اما الزام این

همه واقعات بر تمام برادران هندی ما وارد
 نیگردد ، میشود در يك قوم اشخاص
 صالح و طالح پیدا شود ! چنانچه از صلحهای
 هندوستان بعالم اسلام فایده های زیاد رسیده
 که سلطنت های اسلامی مرهون احسان
 مسلمانان هندی میباشد ، لیکن وقتیکه
 دواير و محاکم اسلامی بعضی از مردم فساد
 پیشه تا عاقبت اندیش را به مجازات میرسانند
 و با آنها را خلاف قوانین شرعیه مرتکب
 امری دیده بر آنها حکمی صادر میکنند ،
 باید برادران هندی ما معترض نشوند ،
 چه افغانستان يك مملکت اسلامیست و
 مسایه مسلمان هندوستان است . اگر به
 این ملک و ملت با فساد افکار چند نفر
 مفرض خدانخواستہ قصاص وارد شود ،
 آن ضرر و نقصان تمام عالم اسلام خواهد
 بود ، افغانستان بین اولاد خود ، و اولاد
 هندوستان ، هیچ فرقی نمی بینند ، و
 رعایانی که برای اولاد خود کرده ، برای
 هندیها نیز مرعی داشته و دارد هیچ عهده
 سلطنتی خود را ، از برادران هندی ،
 دریغ نفرموده ، تا به حال نه دولت علیه
 غنایه ، و نه دولت علیه ایران اینقدر
 امتیازات بمهاجرين هندوستان اعطا کرده
 اند ، که افغانستان از روی اخوت اسلامی
 و همجواری به برادران هندی ما روادار
 شده است ، اعلیحضرت اسلام پرست ما

افغانستان را برای هندیها وطن نای
 قرار داده اند و برادران هندی ما را در
 همه امور بی استثنا حق ماموریت عطا
 فرموده اند چنانچه عهده های برادران
 هندی ما ، در افغانستان با اندازه تزی کرده
 که از حضور شاهانه اعلیحضرت قازی
 جناب محترم هنرزالرحمن خان پسر مرحومی
 دا کتر عبد الرحمن خان هندی بمنوال
 قونسلگری ترکستان روسی مامور شدند
 و باین عهده جلیله شرف امتیاز یافتند ،
 حالا ما از برادران هندی خود میخواهیم
 يك نظر انصاف بر ساوک و روش افغانستان
 داشته ، خود منصف شوند که کدام وقت
 بین هندی و افغانی تفرقه را روادار شدیم
 که از آنها این چنین مقالات الم انکیز
 مطالعه می کنیم ، آیا نتیجه این همه زحمت
 افغانستان نسبت باحوال مردم هندوستان
 شبان همین گونه مقالات است که امروز
 در جرايد هندی میخواهیم ؟ ، و در
 وقتیکه ما مردم افغان میخواهیم ، جمعیت
 پریشان مسلمانان عالم را بحبل المین اتحاد
 شیرازه کنیم آیا سزاوار همین نتیجه
 میباشد ؟ ، نه والله این همه مقالات
 و کنایات که در جرايد هندی دیده میشود
 از روی تا عاقبت اندیشیست ، ورنه برادران
 هندی ما نسبت به هندوستان در افغانستان
 بیشتر معزز و محترم اند ، بعضی از هندیها

نباید از ماشکوه و شکایت کنند ، بلکه از اعمال و افکار خود شاکی باشند ، چه برای ما هندی و افغانی ، هیچ فرقی ندارد ، اگر هر کدام ازین طایفه مادر افغانستان مرتکب خیانتی شوند ، دواژ حکومتی مایی استثناء آنها را به مجازات میرسانند و از هیچ شکوه و شکایت خوف نمیکند .

الحاصل همچنان که منظور نظر مادر ماضی و حال و استقبال ارائه ، حسن نظریات و عملیات اساسیه افغانستان است نسبت به عموم برادران هندی ما و از طرف آنها هم به همینطور اعتراف می نمایم برادران هندی ما مخصوصاً ارباب جراند را نیز لازم است که معاملات عمومی هندی و روابط جمهوری را زیر نظر گرفته به اظهارات مفرضانه بعضی افراد که آن هم راجع بخودشانند اعتباری ندهند و از آن جلو گیری نمایند . و بنا بر همین عقیده از تردید بعضی برت کوشیهای دیگر مقاله نگار جریده مردم راجع به بعضی معاملات افغانستان نسبت به چند نفر هندی مشخصی که سستی و نادرستی آن بر متامل غیر متمصب از تعمق در کلام خود مقاله نگار صاحب ظلمت میشود ، سرف نظر نمودیم تا باعث آزردهی دیگران نگردد ، چرا که انسان هنگام مقاله و مدافعه با ارائه هر گونه اوضاع و اظهار مرقوم و قانع مجبور میشود .

مقاله مخصوصه

[افغانستان با سلسله جنبان اتحاد اسلامی]
 [منقول از روز نامه مهر منیر]
 امروز در میان تمام برادران اسلامی اول کسیکه در اتحاد اسلامی قدم صبیبیت و دواد برداشته و دست محبت و یگانگی بسوی برادران خود دراز کرده است دولت علیه [افغانستان] است که بابت دنیا حرارت تصمیم اتحاد کرده شب و روز بابت همه دوستانه و لحن برادرانه اخوان خود را دعوت به اتحاد و اتفاق می نماید . ما اعتراف میکنیم که دولت علیه افغانستان و ملت نجیبش از سایر ممالک اسلامی به حسن دیانت و روح اسلامیت را بیشتر اظهار میدارد .

از دو نقطه نظر دولت و ملت افغانان مسلك مقدس را باین ، جدید تعقیب و ترغیب نباید محض از حیث مصادماتیکه در مدتهای متعددی از همسایه های متعددی خود احراز نموده و بسوء مقاصد و خبت عقاید آنها نسبت به عالم اسلام و هیئت مسلمین پی رده است .

و دیگر آنکه فواید و منافع اتحاد و اخافرا با مضرات طاق و اختلاف عملا در ضمن جهاد دو سال قبل احساس نمود این است که امروز از صمیم قلب برای اتحاد اسلامی فریاد مینمزمند .

اگرچه مصادمات سیاسی دولت اروپا با امریک از ممالک اسلامی قرنها است جریان دارد همان صدماتیست که مملکت افغانستان از دشمنان مشاهده نموده است بالمضاعف با [اعضای] مملکت نماینده متوجه گردیده برادران ترك ما از اثر همان صدمات هنوز هم زخم آنها را نیک کرده دست و شمشیر رشیدانه ایشان هنوز هم رفع خستگی نکرده است ملت بین النهرین تا دو بیت سال دیگر هم از تاثیرات عادیانه دشمن سرگردانند . برادران اسلامی مادر محیط مغالم هندوستان هر چه دست و پا مینزد در کرداب اسارت و امواج عبودیت دشمنان بدتر غرق شده ناله های جگر خراش آنها بجای نمیرسد .

در مملکت خود ما [ایران] تا صد سال دیگر آثار سر نیزه ها و سم ستور قشون روس و سیاه کارهای سیاست انگلیسی زوال پذیر نیست و بالاخره مصادمات اسلامی از مصادمات ملل صلیبیه با اندازه نیست که کسی بتواند از عهده احصاء آنها برآید .

آری فرقی که میان دولت افغانستان و سایر دولت اسلامی هست این است . اولاً علاقه ابدی دیانت و اسلامیت شدید روح اسلامیست بیشتر است و ثانیاً دولت افغان جدا در صدد ترقی دادن ملت خود و حفظ حیثیات اوست .

دولت افغان نسبت بملت خود دلسوز و مهربان است .

دولت افغان غمخوار ملت خود و ملت خود را اعضاء حقیقی خود میداند دولت افغان حقوق ملت خود را ثابت دانسته و در حفظ آن کوشش دارد دولت افغان تقلید سیاه از اروپا نمی کند دولت افغان سعادت خود و ملتش را در زیر سایه بیرق منور و عراب اسلامی ختم کرده .

دولت افغان ترقی را در حفظ شعار اسلامی دانسته و اتحاد با مسلمین عالم را واجب میداند .

آری ما هم اتحاد عالم اسلام را تمام معانی واجب و مخالفت افراد مسلمین را باید که بکمر تمام معانی حرام میدانیم .

چنانچه اساس دیانت اسلام مبتنی بر این حقیقه مقدسه است ، اتحاد از احتمیات آئین مقدس اسلام است .

اسلام از تاثیرات همان اتحاد حتمی ، قرون منهدیه شرق و غرب دنیا را الکتد کوب سیاست خود گردانیده سیادت و حاکمیت مطلقه را برای مسلمین نازده تهیه نموده ، اسلام در توأم بودن بآن اتحاد محتوم در مدت چندساله ممالک مهمه و دولت مقتدره عالم را ذلیل و زبون بگذرسته مسلمین ممدودی داشته مقدرات مطلقه روی زمین را عرضه مختاریت نامه زمانه داران آرزو اسلامی نمود .

مل اروپا بیشتر جفا کاری و عدوان خود را در يك موضعی به روق عالم اسلام وارد آوردند ، که رزبر دستی آنان در سیاست باید اعتراف نمود - رشته اتحاد مسلمین در دست زور و تقلب مدلل صلیبه باره گردید اینها له فساد و نفاق زاد جامعه مسلمین اشاعه نموده ، و دول اسلامی را بایکدیگر خصم نمودند ، و هنوز هم متنفذین اسلامی و زمامداران ممالک اسلامی کاملاً رعایت این حقیقه را ننموده باز هم آلت اجراء مقاصد آنان می شوند شاید ممالک دیگر اسلامی هم باین حقیقت علنی برخورد ده و بمبادی ذلت و انحطاط خود آگاه گردیده باشند ولی اسرودات علیه افغانی و ملتش علاوه بر اینکه علناً باین حقیقه و حقائق دیگری که منبع بدبختی و ذلت مسلمین است برخورد و حتم نموده اند و عملاً هم بانهایت جدیت در مقام ایجاد يك اتحاد اسلامی حقیقی که عالم اسلام را بمنزله شخص واحد قرار دهد هستند .

آری بحکم تمام ادله و براهین علمی ، عملی ، طبیعی ، منطقی ، هر يك از افراد و هیئات اسلامی امروز که علاقه بغیرت و ترقی و افلا و بحفظ موجودیت خود داشته باشند باید دست بردار اسلامی خود داده رشته (اتحاد اسلامی) را استحکام دهند -

پس از آنکه يك اتحاد حقیقی در جوا مع اسلامی دارای وجود خارجی گردید بحکم طبیعت قهراً دست تعدی در اژدستان را از حیثیات اسلامی قطع نموده ، خط بطلان بر سیاست ناریک آنها خواهد کشید ما حصول حقیقی این معنی ، اتحاد اسلامی را نظریاتیکه يك اروپا کاند مذهبی است ، فقط موقوف بر قلم و زبان جرائد و ناطقین اسلامی دانسته ، و در پیشگاه عقل و انصاف و خاصه در مقام دیانت آثار ملتزم و مسئول میدانم .

(م . ن) جلالی سنقری

(اخلاقیات) -

(مباهای قوه شهویه)

(۳)

(میل انتقاد) آثار و اعمال از باب صنایع و اصحاب اختراعات ، و ح خرد گیری در نالیفات و تصنیفات و افکار و خطب حکماء و علماء و خداوندان دانش عجیبه میایی است که مبدع کون در افراد انسان نهاده . و فائده این میل و غمزه این خواهش در ترقیات ، از سعی مزارها مرئی شفیق و از کوشش مزارها معلم دلوز بیشتر است . و اگر این طور نمی بود تساهل و تسامح و احمال و تهاون انسانها را فرا گرفته عقول صافیه و قرائح ذکیه ایشان از خطه نقص و حسیض ناآگاهی

هیچکامی بوج ککالات و ذروره فضائل مروج و صعود نمیکرد ، و آثار عظیمه و نتایج جلیله خرد و دانش ایشان صورت هستی نمیکرفت ، و این صنایع بدعه و حرف انیقه و علوم دقیقه به عالم شهود جلوه گر نمی شد ، و طالب قوای مقدسه انسانها که مخازن اسرار و حکم الهیه است در نهانخانه کون عاقل و باطل مانده بلا نمر و بی فائده میگردید

پس این میل انتقاد و این خواهش خرد گیری دعوت میکنند انسانها را بتحقیق و تدقیق ، و باعث می شود آثارا که در صنایع و حرف و علوم و معارف تعمق و تدبر نمایند و تساهل و تهاون نوزند و بودن این میل در افراد بشریه باین دلالت می کنند که ککالات انسانیه را نهایتی نیست و قدرت بنی آدم را اندازه نمی باشد . و همائری که از انسان سرزند اگر چه در نهایت حسن و غایت اتقان و احکام بوده باشد باز نظر به قوای فعاله که در او گذاشته شده است خالی از نقص و عیب و ناآگاهی نخواهد بود

سوء استعمال این میل این است که دارنده آن بواسطه حسد که یکی از آثار خست نفس است آقدر خواهش انتقاد را قوت بدهد ، و حب خرد گیری را بدان بپرساند که از سرعت حرکت در عیب

جوئی ، فرصت نظر به حسن او را میسر نشود ، و بغیر عیب ، و نقص چیز دیگری در آثار حسنه از باب دانش و پیش بدیده غبار آلود حسدش نیاید

و اگر فساد این میل در قومی عمومی گردد ، البته فتور همت آن قوم را فرا گرفته افکار غالبه و آثار عظیمه و کار های بزرگ از ایشان ظهور نخواهد نمود ، چرا که مطلب اعلی و محرک اول هر کسی در ارتکاب اعمال شاقه چه بدینه بوده باشد و چه فکریه جلب تحسین و استحصال سنایش است از دیگران و اگر مدح و ثنا و تحسین و ستایش در اعمال و افعال زائل شده بغیر از تشبیح و تمجیح آرد دیگری بر آثار انسانیه مقرب نشود قوای عقلیه لاعاله از حرکت باز خواهد ماند و قوای بدینه را سستی فرا خواهد گرفت

(میل بقاء نام) بعد از وفات انسان را بامت می شود بر اینکه آنچه در او گذاشته شده است از قوت و توانائی و طاقت همرا بلا تهاون و سستی در حاصل کردن و بوجود آوردن يك امر بزرگ که با لا تر از قوت دیگران باشد صرف و استعمال کند . چون که حب نام آوری در حالت زنده کافی انسان را بر این بیدارد که بقاء نام را پس از مرگ نیز ضروری

شماره و بقدر توهم امتداد مدت آن و
باندازه تحمیل لذت آن مسامی خود را در
اکتساب اسباب آن بکار برد
بودن این میل در انسان بر این دلالت
می کند که این نوع در بقا و کمال سعادت خود
محتاج است به موری بسیار دشوار و افعالی
بسیار شاق که هرگز بر آنها قادر و توانا
نخواهد شد مگر به این گونه یک مسبب فعل
و محرك مؤثر یعنی خواستن بقا نام پس از مرگ
اگر میل بقا نام در بعض نفوس
کبیره متمکن نمیشد از کجا این اختراعات
عجیبه و این اکتشافات غریبه و این علوم
حکمیة عالیه و فنون حارقہ بطور مریسید
و این عالم جدید که هر کس از آن بنوعی
بهره و راست از کجا صورت میگرفت . اگر
کسی بنظر غور و دقت کند بر او ظاهر خواهد
شد که رقیبات و تنزلات هم بر حسب قوت
و ضعف این میل است در آحاد آنها .
و سوء استعمال این میل این است که
شخص نخواهد چون (چنگیز) بسبب ریختن
خون ملیونها از نفوس مقدسه انسانیه
و یا مثل کلادستون که جهان اسلام را بافکار
و عملیات مسومنه خود مضمحل و نابود
ساخت اسمی در عالم بگذارد ، البته این
گونه اسم گذاشتن همیشه بالعنا و نفرتها
مقرون خواهد بود . بی ابقا نام را آنوقت
لذت خواهد بود که مصدریک اسپرز کی
کرد که در آن منفعت عموم خلق باشد .

کمان اشود اشخاصیکه يك حاشیه بر حاشیه
فلاذیه نوشته اند یاد یوان غزلی سروده اند
یادر زاویه خاموشی اشسته در نزد مغفان
کسب شهرتی نموده اند یا انواع مظالم و تعدیات
بر ملت و غضب اموال دولت نامی کشیده
اند از جمله اشخاص نفوس کبیره می باشند
که بذل جهدی کرده نامهای خود را در
این عالم باقی گذاشته اند بلکه باید دانست که
بقا نامهای اینگونه اشخاص در لوح عالم مثل
بقا نام عبیدراکانی (و ملا دو پیازه)
است و انسان عاقل را نباید که این گونه
بقا نام خورسند کرد (ج ۱۰)

تجواریک خلیفه

[رسیدن نائب الحکومه قندهار]
به قندهار

جریده طلوع افغان بنویسد که [ج]
محمد سرور خان که به نائب الحکومه کی
قندهار مامور شده بودند به [۶] حوت
وارد قندهار شدند و رسم پذیرائی شان
بطور خوبی اجرا یافت .

[معافی محصول اصنافی]
تا آنوقت از عموم اهل حرفت مثل
نجار ، آهنکار ، جولا ، و نذاف و غیره
سالانه یک مبلای به عنوان محصول [اصنافی]
گرفته میشد علاوه ازان که در احد و
تخصیل این محصول تکلیف به ارباب حرف

بودجه مالیه [۱۳۰۲] اولاد مجلس عالی
وزرا موضوع بحث و تنقید گشته بعد در
مجلس شورای ملی مطرح مذاکره و ملاحظه
گردیده پس از جرح و تعدیل به روز
[۲۹] حوت تصویب و امضا شد گفته
میشود که بودجه وزارت معارف و وزارت
حربیّه نسبت به سال گذشته بلندتره نادر
از دیاد مکاتب و فسون صرف مسامی و عمت
نماید [انشاء الله] معلومات و تفصیلات
دیگر که درین زمینه باشد در آتیبه نشر
خواهیم نمود .

(تشریف بردن اعلیحضرت بسمت مشرق)
روز جمعه [۲] حمل حضور شاهانه
برای اتمام دوره مقرره بسمت مشرق
تشریف بردند و چنان میباشد که به [۱۰]
حمل مع الخیر و العافیه بطور قطعی بکابل
مراجعت خواهند نمود .
(زینبای مبله قلبه کشی)

از سالمای دراز دهقانان و زمین
داران نواحی شهر کابل عادت دارند که
هرسال در اوائل نوروز که زمین های
مزروعی از زیر برف می براید و موسم
قلبه رانی و کشت و آبیاری میرسد پیک
محل مخصوص جمع گشته مبله میکنند و یک
نفر ریش سفید در یک زمین تینا یک دو
بار قلبه میراند و رسم قلبه کشی را افتتاح
می نمایند ازان بعد عموم دهقانان در اراضی
خود به قلبه رانی ماذون میشوند و درین

و صنایع بود عائق پیشرفت و ترقی حرف
و صنایع می کشت لاجرم این نکته جلب
توجه شاهانه را نموده در سمت مشرقی به
معانی اصنافی اهالی سمت مشرقی با استثنای
[آسیاب ، جواز ، بابکوب] حکم نمودند

(تشریف آوری موقی اعلیحضرت)

از سمت مشرقی به کابل
برو کرام دوره اعلیحضرت غازی به
محالات سمت مشرقی قبلاً نشر یافته بعد
از دوره در کنرها و در بعض جهات
دیگر معلوم شد که اتمام دوره بایام مقرره
علی التوالی ضروری نیست چرا که از
تفحص احوال رعایا و تقییش امور اداریه
مامورین آن محالات واضح گشت که چندان
تکلیف مهم برای رعیت و یا نقص بزرگ در
دواز دولت که پرداخت به آن و اصلاح
آن مربوط به ذات شاهانه باشد نیوده .
و از طرف دیگر از اختتام سال [۱۳۰۱]
چند روز مانده و ملاحظه بودجه سنه
[۱۳۰۲] از هر چیز مهم تر و ضروری تر
است بنا علیه حضور شاهانه ایام دوره
مانا خیل و نواحی آن را چند روز بعد
مقرر داشته برای اتمام مسئله بودجه و
دیگر امور مهمه بتاریخ [۶] حوت به
کابل تشریف آوردند .

(بودجه ۱۳۰۲)

از [۱۸] حوت تا [۲۹] حوت

میله عموم مردم حاضر می آیند و بازار قائم می گردد و گاو ها و بعض حیوانات دیگر که بکار دهقانها می آید فروش میرسد این میله از طرف کدورتگان عرض تشویق و ترغیب مردم بامور زراعت وضع شده اعلی حضرت غازی برای زیادت ترغیب دهقانان و ترویج زراعت باین میله اهمیت بخشیده محل عایش حیوانات و نباتات را هم همین میله قرار دادند و برای کسانی که در تربیه حیوانات و نباتات و تحسین ایجاد آلات زراعیه ابراز همت و کوشش نموده باشند ، انعام و جایزه مقرر داشتند امسال که (سنه ۱۳۰۲) باشد میله قلبه کشی بقرار ذیل اجرا میشود .

(۱) موضع قلبه کشی اراضی که بنای شهر دارالامان محصور شده مقرر میباشد (۲) ساز های ملی دهقانی و موزیک ها و دیگر منقسم ساعت قبری های مشروع بقرار سابق می باشد . (۳) برای تشویق زمین داران و دهقانان در تربیه نباتات و مویشی الامانات بقرار ذیل از طرف حکومت داده میشود مویشی سرکاری که در تصرف صاحبان کار و دهقانان دولت میباشد انعام ندارد صرف برای زمین داران و دهقانان رعیتی الامانات ذیل عطا میشود .

الف :- برای کار هائیکه در آبادی و قوت جاق و جابجایی خوب تربیه شده باشد

نابده درجه تفریق میشوند که از [۵۰۰] روپیه الی [۵۰] روپیه کابلی که بلكه درجه از دیگر درجه بجهاد روپیه تفاوت دارد .
ب :- برای سرکب بقرار شروط انعام گاو از [۲۵۰] روپیه الی [۲۵] روپیه کابلی که تفاوت بکدرجه از دیگر درجه بیست و پنج روپیه باشد .
ج :- برای پرورش و تربیه مرغهای مرمرق اعلی جاق از (۱۰۰) روپیه الی (۱۰) روپیه کابلی تفاوت بکدرجه از دیگر درجه ده روپیه باشد .

(۴) : برای تشویق اهالی در خصوص خوبی و اصلاح اسباب های که برای زراعت بکار است بشرطیکه بهتر و کار آمد تر از اسباب های سابقه ثابت شود از قرار ذیل انعام داده میشود .

الف :-	اسبار	(۲۵۰)
ب :-	راکول	(۲۰۰)
ج :-	بوغ	(۱۵۰)
د :-	ماله	(۱۰۰)
ه :-	پیل آهنی	(۵۰)
و :-	داس	(۵۰)
ز :-	شاخی	(۲۵)
ح :-	جاری	(۲۵)

ه :- برای بازار تجارت مویشی که هر کس مویشی خود را در روز میله مذکور بفروش برساند جای مخصوص

در میله گاه معین شده است خرید و فروش که در آنجا میشود از محصول سرکاری معاف است خرید و فروش بازار میله جا نامیاد بخروز دوام خواهد داشت .

۶ :- برای آسانی بدست آوردن هر نوع تخم فله باب که در زراعت بکار باشد جای مخصوص در میله گاه مقرر میشود بدون هیچگونه محصول هر کس که هر گونه تخم فله باب و یا کلهای مرمرق و ترکاری های گوناگون و یا بزره هائیکه در کیمیا و طبابت بکار آید در آنجا برای فروش آورده میتواند .
۷ : هر کس که تربیه نباتات گوناگون و یا نباتات قلبه و کیمیاویه که برای رنگها و غیره بکار آید در تربیه هر نوع مواد زراعیه که نفع آور باشد کوشش نماید و بلكه نمونه آرا به اصول تربیه آن بمیدان برارد (۵۰) روپیه انعام داده میشود .

مجلس انکلیت

راجع به ترکان

وقایع نیکار مخصوص ما از لندن مینگارند :
از نا کامی کافه لس لوزان حضور عالی مسیوق خواهد بود . از دو هفته است که کانفرنس مذکور سقوط نموده ، تمام نماینده کان دول واپس رفتند عصمت پاشا (وزیر امور خارجه ترکیه و رئیس هیئت مذاکرات در لوزان) سواد معاهده را که متفقین در لوزان برای او تقدیم نموده

بود با خود بردن (مجلس بزرگ ملیه) انقره بران غور نماید . متفقین میخواستند که دوباره ترکان را در مسائل اقتصادیات مقهور و مغلوب خود گردانند ، مگر ترکان هرگز این را قبول نمیکنند چنانچه سبب کلی نا کامی کانفرنس لوزان هم همین است .
ترکان شرائط متفقین را قبول نکردند یعنی سواد معاهده را که در لوزان برای رئیس هیئت مذاکرات ترکیه تقدیم شده بود مجلس بزرگ ملیه رد کرد و خودشان مواد معاهده را منحصراً ترتیب دادن اراده دارند ، دیده شود که چه نظامی می شود ، در خصوص تخلیه عراق و فلسطین از انگریزها در بخا هر وقت بیایه ها شائع می شود که باید انگریزان آنجا را رها کنند ، حتی در پارلمان انجمن چهل و پنج نفر رای دادند که ماباید از عراق برانیم ، (دبی بیل) فوتوی این نظری را هم شائع کرد ، عقیده دبی بیل هم همین است که بودن انکلیت سواد در عراق بجز ماندن خساره محکومت بریطانیا فائده از آن متصور نیست . (انها)

ترکان بقر خود مواد معاهده ترتیب داده به متفقین فرستاده اند ، نماینده کان متفقین و طرفداران شان به لندن جمع شده اند و در وزارت خارجه مجلسی به ریاست لارڈ کرزن انعقاد یافته در این مجلس تصویب شده که بعض هیئتهائی متخصصین

دسته های تشنه ای جنبی که در بوزارها لشکر انداخته اند بجای خود خواهد بود .
 ملک حسین - پادشاه مکه به وکیل امور خارجه انقره تلگراف داده که از تصریح زکان باستقلال کامل بلاد عرب اظهار تمجید و ستایش میکند و خواهش کرده که ترکیه موصل را برای عرب بگذارد .

انواع مسائل مقرر و گفته شود نادر مسائل سواد مذکور نظیر نمایند و نیز در مجلس قرار داده اند که کوائف مذاکرات همه وقت نشر نشود و محض در آخر صورت يك اطلاع عمومی اشاعه شود . و تا وقتیکه بر معاهده امضا نشده عساکر بر طایفه که در قلعه های دوطرفه بوزارها معین اند و

⦿ اخطار ⦿

از آنجا که در بعضی معاملات و محاسبات ، از عدم توافق دوره سالانه جریده ما با سال صریح بعضی اشکالات پیدا می شد ، و نیز بنابر امیدواری که به مالک شدن مطبع مطیع داریم جریده ما در قطع و اوراق وحدت و موضوعات علمی و اخلاقی و اجتماعی و ادبی و فکائی صورت نوی اختیار خواهد کرد ، این شماره (۲۰) جریده ما دوره سال سوم را تمام میکند و از ابتدای (۱۳۰۲) به دوره چهارم شروع می نماید و ازین بعد دوره امان افغان در اول هر سال شمسی تجدید خواهد شد و شماره های سنوی آن (۵۰) خواهد بود -

این تغییر دوره در اشتراك سنوی مشترکین سال ۳ قمری وارد میکنند بطور سابق نامر شماره که حق شان باشد مسلسل خواهد رسید مگر در صورتیکه جریده وسعت پیدا کرد و قیمت آن بلند شد البته مشترکین مبلغ جزوی زانرا نایب خواهند نمود و باقی آن بوزان شان شماره ها برای شان خواهد رسید -
 از جمله مشترکین محترم آنهاست که تا کنون در پرداخت و به اشتراك خود داری نموده اند و ما میبایم که لطفاً در نایب آن همت فرمایند و اسباب دلگرمی کارکنان اداره را فراهم آرند -

حضراتیکه بدوره جدید میل شرکت داشته اند از اشتراك خود بزودی ما را مطلع سازند تا بطور درست عده مشترکین را تخمین بتوانیم و همان اندازه جریده مطیع نمایم . والا اگر در بین سال نخواهند که شماره های اول سال را هم اشتراك کنند ممکن است که شماره های اول تمام شده باشد -

بنابر تصفیه محاسبات اساله و تهیه بعضی ضروریات ، شماره اول دوره چهارم در اواخر برج حمل انتشار خواهد یافت .

درجهاب خانه حروفی دار السلطنة کابل طبع گردید



